

| معرفی کتاب «هدیه ولنتاین»

زندگی مؤمنانه در عصر مدرن



● عنوان: **هدیه ولنتاین**

● نویسنده: **سارا عرفانی**

● ناشر: **کتاب نیستان**

● تعداد صفحات: **۱۳۴**

● توضیحات:

«هدیه ولنتاین»، مجموعه داستانی است که

به زندگی مؤمنانه در عصر مدرن می‌پردازد.

اگر بر سر دوراهی عشق و عقیده بمانیم، کدام را انتخاب می‌کنیم؟ این پرسش در کتاب «هدیه ولنتاین» بارها تکرار می‌شود و سارا عرفانی، نویسنده کتاب، تلاش کرده راهی برای یافتن پاسخ پیش روی ما بگذارد؛ هرچند که ما را بیشتر به تفکر عمیق تشویق می‌کند تا پاسخی آماده.

دین‌داری در جهان معاصر

کتاب «هدیه ولنتاین»، نوشته سارا عرفانی، مجموعه‌ای شامل ۹ داستان کوتاه است که موضوع همه آن‌ها مرتبط به دین‌داری در جهان معاصر در میان چالش‌ها و

دغدغه‌های امروزی نوجوانان و جوانان است. برای مثال، در داستان اول با عنوان «به خاطر تو»، گفت‌وگوی یک‌طرفه دختری با همسر و عشق از دست رفته‌اش را می‌خوانیم. قصه «صدف» از یکی از چالش‌های جدی میان نوجوانان و والدینشان و اشتباهاتی که هر دو طرف دارند، برای ما می‌گوید. «هدیه ولنتاین» ما را با دختری همراه می‌کند که بر سر دوراهی عشق و عقیده مانده است و قصه «از پشت ابر» نیز درباره مردی است که در جست‌وجوی معنای این حدیث است که «هرکس که بمیرد، درحالی‌که امام‌زمانش را نشناخته باشد، در نادانی مرده است.»

پایان تأمل برانگیز

سارا عرفانی در کتاب خود، بیشتر از روایتی شاعرانه استفاده کرده است. این نوع روایت هرچند شاید سلیقه همه کتابخوانان را جلب نکند، اما به طور کلی بر دل می‌نشیند. یکی از ویژگی‌های بارز داستان‌های این کتاب، پایان‌بندی آن‌هاست. پایان همه آن‌ها به نوعی باز اما بسته است؛ به گونه‌ای که هرچند سرنوشت شخصیت‌ها و قصه‌شان مشخص نمی‌شود، اما از یک جهت برای مخاطب قابل پیش‌بینی است و از سوی دیگر او را به فکر وامی‌دارد. همین به فکر واداشتن، وزنه مهم و سنگینی برای کتاب است تا تفکر و نگاه نقادانه را در ما تقویت کند.

هر داستان پیامی برای فکر کردن دارد. سه داستان متفاوت از سه دختر که همسر و محبوبشان را به نوعی از دست داده‌اند، ما را تشویق می‌کنند به اینکه خود را جای آن‌ها گذاشته و به این فکر کنیم که اگر ما بودیم چه طور با همه چیز مواجه می‌شدیم؟ اگر ما والدین پارسا و صدف بودیم، باید چه می‌کردیم و رفتار درست چه بود و برعکس اگر جای خود پارسا و صدف بودیم چه؟ اگر بر سر دوراهی عشق و عقیده بمانیم، کدام را انتخاب می‌کنیم؟ آیا ما هم یکی از انسان‌های به ظاهر دین‌داری هستیم که به عمق، معنا و حکمت مسائل دینی آگاهی کافی نداریم؟ آیا ما هم یکی از کسانی هستیم که آنچه برای دیگران «می‌پسندند» برای خود «نمی‌پسندند»؟!

برشی از متن کتاب

چه بگویم که تو چشم‌هایت را به روی حقیقت بسته‌ای و لحظه‌ای روی حرف‌هایم فکر نمی‌کنی... زندگی گاهی در کنار هم بودن است و گاهی از هم دور بودن. مهم آن است که یک دل باشیم، اما تو فقط در کنار هم بودن را یاد گرفته‌ای. زندگی گاهی لبخند زدن است و گاهی اشک ریختن. مهم آن است که قلب‌های ما واقعا به هم گره خورده باشند، اما تو فقط لبخند زدن را یاد گرفته‌ای. زندگی فقط آن نیست که تو می‌خواهی و به آن می‌اندیشی. شاید من هم کمی حق داشتم باشم، اما تو فقط حق خودت را دیدی؛ آن قدر که حتی صدای من را از پشت در نشنیدی.